

## در پاسخ به فراخوان گوتینگن

دوست گرامی آقای اکبر؛

فراخوان شما با ضمیمه آلمانی آن در خصوص اخراج اجباری پناهندگان افغانی از کشور های همجوار ایران و پاکستان، و به همین سان اخراج احتمالی یک جمع چند ده هزاری ایشان از آلمان را از طریق کانون سیاسی پناهندگان - مونستر بدست آوردیم. هرچند که ما کمی دیرتر در جریان خواست و تلاش جمعی شما از شهر گوتینگن، بمقصد راه اندازی یک حرکت سیاسی اعتراضی قرار گرفته ایم، ولی نه تا آن حدی که دیگر خیلی دیر شده باشد.

ابتکار شما بگونه ای که از فحوی فراخوان تان معلوم است، واکنشی میباشد ضروری و فوری در قبال یورش وحشیانه فاشیستی اخیر رژیم جمهوری اسلامی ایران علیه کارگران و زحمتکشان افغانی مقیم آنکشور؛ این ابتکار تا همین حد هم، مایه قدردانی ما و بنابر این، سزاوار تأیید و پشتیبانی میباشد. کاملاً مبرهن است که از همان بدو پیدایش جمهوری اسلامی، سیاست زورگویی، جنگ طلبی، تفرقه افگنی، شکنجه و سرکوب، کشتار های جمعی، اعدام، سنگسار و... هم، یک بخش جدایی ناپذیر از فلسفه رهنما، و در واقع راز "بقای" رژیم آخوند ها تا ایندم بوده و میباشد.

سه دهه تراژیدی خونبار مردم ستمدیده افغانستان که آوارگی و بی خانمانی کتله های عظیم میلیونی شان هم، تنها یکی از ابعاد فاجعه آمیز آن است، رویهمرفته مستقیم و غیر مستقیم با جمهوری اسلامی و سیاست های مداخله گرانه آن در ارتباط میباشد. این یک واقعیت ملموس و اثباتی است که نمیشود هیچگاهی در آن شک و تردید نمود.

سیاست ها و کارنامه های رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی در ارتباط با فضای افغانستان عمیقاً ارتجاعی، فرصت طلبانه و پراگماتیستی بوده، که تنها و تنها در خدمت منافع دستگاه طبقه حاکمه و دیگر لایه های وابسته بدان، سرهمبندی و بمنصه عمل درآمده است.

اگر جمهوری اسلامی با مداخلات همیشگی آشکار و پنهان خودش در امور داخلی افغانستان و برافروختن جنگ های برادر کشی، یکی از عوامل مستقیم آوارگی توده های عظیم مردم بوده است؛ از سوی دیگر همین رژیم آخوندی، مستقیم و غیر مستقیم در غارت و استثمار، اذیت و آزار، شستشوی مغزی مذهبی همین آوارگان تا سرحد گسیل شان در جنگ هشت ساله با عراق هم، دخیل و موثر بوده است.

زورگویی، ضرب و شتم، اهانت و تحقیر، شایعه پراگنی، تفرقه افگنی و برهمین منوال توسل به اسالیب تبعیض طلبانه راسیستی، قومی و مذهبی در قبال پناهندگان افغانی، که از نظر عینی عمدتاً به بخش کارگر و زحمتکش هر دو کشور افغانستان و ایران منتسب میباشند، رویهمرفته یک سیاست شناخته شده همیشگی دستگاه طبقه حاکمه ایران و دیگر بخش های مرتجع وابسته به رژیم جمهوری اسلامی بوده و میباشد که همواره در اشکال و شیوه های مختلفی رونما گردیده است.

برنامه اخراج اجباری همین کارگران و زحمتکشان پناهجویی از ایران، که اینک با یک عصبیت مهار ناشدنی اسلام آخوندی و آنهم با توسل به شیوه های عربان فاشیستی در دست اجرا میباشد، امریست صریحاً متناقض با تمامی نرم ها و موازین شناخته شده بین المللی در خصوص

پناهندگان. این سیاست و بویژه نحوه اجرای آن توسط تمامی ارگان های سرکوبگر جمهوری اسلامی و چماق بدستان بسیجی آن، که از دست درازی به حرمت انسانی و امنیت جان و مال پناهندگان تا سرحد قتل و پرتاب کارگران از بالای یک ساختمان به پایین دریغ نمی ورزند، یک سیاست و یک عمل ارتجاعی عمیقا بربرمنشانه میباشد که از جهاتی هم، یورش های سیستماتیک چند سال قبل نیو نازی های آلمانی بر پناهندگان مقیم آلمان از هر ملیتی و شکار شان در همه جا را - در پناهگاه ها، در بستر خواب، در خیابان، در قطار و ... در اذهان زنده میسازد. گسیل اجباری پناهندگان به جهنم سوزانی که آتش خانمانسوزش را اشغالگران امریکایی، متحدین امپریالیست شان در ناتو و مزدوران بومی فلاده بگردن شان در کابل، متفقا برافروخته و مشتعل نگهداشته اند، جز همسویی و همراهی با تمامی همین مرتجعین بدسگال و جفاپیشه، معنای دیگری نخواهد داشت. البته چنانچه میدانیم، این یک سیاست دقیقا برنامه ریزی شده میباشد که مرتجعین دولت دست نشانده کابل و همپالگان شان در کمیساریای سازمان ملل، در تمامی مراحل طراحی آن عملا دخالت داشته، که برای اجرای آن هم، به شیوه خودشان تشریک مساعی نموده اند.

اینجاست که موضعگیری و مقاومت در قبال سیاست ها و کارنامه های رسوا و ننگین همه همین صف بندی های ارتجاعی و در پیشاپیش شان، رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی ایران، یک وظیفه تخطی ناپذیر هر فرد و نیروی مترقی، دموکرات و انقلابی میباشد.

سیاست ها و کارنامه های تفرقه افکنانه، تبعیض طلبانه و فاشیستی علیه پناهندگان بیدفاع و بی پناه را در هر کجایی که باشند، میتوان و باید با پی ریزی یک جنبش اعتراضی مضاد و حرکت های سیاسی روشنگرانه بمثابه بخشی از یک مبارزه انقلابی فعال و پیگیر ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی، بمصاف طلبدیده و به نحوی مقتضی بدان پاسخ داد.

در همسویی با همین روند و برای تلبیه یکی از نیاز های عاجل مبارزه انقلابی ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی میباشد که **جبهه متحد ضد امپریالیسم و ارتجاع - افغانستان** هم، از فراخوان دوستان گوتینگن، به گرمی استقبال نموده، و آماده است برای راه اندازی یک حرکت اعتراضی سیاسی، بقدر توان نقش خودش را ایفا نماید. دوستان؛

شاید اطلاع داشته باشید که به همین ارتباط تا کنون اکسیون های اعتراضی چندی از جمله مدتی قبل در فرانکفورت بعمل آمده است که نتایج شان متأسفانه بدلایلی چند از جمله مجهول ماندن هویت دقیق سیاسی برگزار کنندگان، نفوذ عناصر مشکوک در صف تظاهرات و یا هم بدلیل عدم رعایت دقیق اصول و موازین مبارزه ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی در امر سازماندهی، عکسی بوده است!

در همین تظاهرات فرانکفورت بود که عده ای از مشترکین در آن، در ضدیت با مواضع و شعار های محوری نیروهای مترقی و انقلابی افغانی و ایرانی مبنی بر دفاع حق طلبانه از پناهندگان، محکومیت و افشای سیاست های جمهوری اسلامی و شعار سرنگونی، بغرض پیشبرد یک سیاست سازش و مماشات با رژیم جمهوری اسلامی، به نیروهای پولیس متوسل گردیدند، تا آن حدی که به سخنگوی قنسلگری جمهوری اسلامی در فرانکفورت، فرصت و اجازه تبلیغ و موعظه سیاست های این رژیم داده میشود!!!

اینجاست که درس آموزی از همچو تجاری برای پیشگیری از بروز احتمالی حوادثی از این دست، و برای راه نیافتن مواضع سازشکارانه، التزام به اصول و موازین مشخص انقلابی در امر تدارک و سازماندهی را ضروری و انصراف ناپذیر میسازد. در این مفهوم، لازم میدانیم تا در همینجا پشتیبانی خودمان را از پیشنهاد **رفیق جهان** مبنی بر دایر نمودن یک نشست مقدماتی برای شناخت و تبادل نظر، اعلام نماییم. پیروز باشید!

- **جبهه متحد ضد امپریالیسم و ارتجاع - افغانستان**

- **سایت ( بابا )**

**۲۰۰۷ . ۸ . ۸**

نشانی های ما: **جبهه متحد ضد امپریالیسم و ارتجاع - افغانستان**

**Postfach 2329  
48010 Münster**

- **ایمیل:**

**[kotbnama@baaba.eu](mailto:kotbnama@baaba.eu)**

**سایت ( بابا ):**

**[www.baaba.eu](http://www.baaba.eu)**

- **ایمیل ( بابا ):**

**[info@baaba.eu](mailto:info@baaba.eu)**